

منوره، اسرار التوحید، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، تهران، ۱۳۲۴ ش؛ مستطی بخاری، اسماعیل، شرح التعریف، به کوشش محمد روشن، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ مشکوئی، نصرت‌الله، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران، ۱۳۴۹ ش؛ معصوم علی‌شاه، محمد معصوم، طرائق الحقائق، به کوشش محمد جعفر محجوب، تهران، ۱۳۱۸ ش؛ مولوی، منتوی معنوی، به کوشش نیکلسن، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ میدی، احمد، کشف الاسرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ «نورالعلوم»، تصوف و ادبیات تصوف (نکته، برتلیس)، و حیدر بهبهانی، محمد علی، خیرانیه، قم، ۱۴۱۲ ق؛ ویلیز، د. ن.، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ هجویری، علی، کشف المحجوب، به کوشش زوکوفسکی، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ هدایت، رضا قلی، مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶ ش؛ یاقوت، بلدان، نیز؛

Arberry, A. J., *Revelation and Reason in Islam*, London, 1965; Corbin, H., *Histoire de la philosophie islamique*, Paris, 1964; El2, *Iranica*; Nicholson, R. A., *Mystics of Islam*, London, 1970; Rizvi, A. A., «Sufism in Indian Subcontinent», *Islamic Spirituality II*, ed. S. H. Nasr, London, 1991; Schimmel, A., *Mystical Dimensions of Islam*, Chapel Hill, 1975; Trimmingham, J. S., *The Sufi Orders in Islam*, Oxford, 1971; Zaehner, R. C., «Abū Yazid of Bisām, A Turning - Point in Islamic Mysticism», *Indo - Iranian Journal*, The Hague, 1957, vol. I; id, *Hindu and Muslim Mysticism*, New York, 1969.

فاطمه لاجوردی

بایزید بسطامی ثانی، ابو محمد علی بن عنایت‌الله (زنده در ۱۰۱۱/۱۱۶۰ م)، عارف، محدث، فقیه شیعی و از نوادگان بایزید بسطامی.

تاریخ ولادت او دانسته نیست، اما با توجه به آگاهی اندکی که از احوال او در دست است و نیز تاریخ وفات استادانش می‌بایست در اواسط سده ۱۰ ق. زاده شده باشد. بایزید مدتی در مشهد از محضر بزرگان فقه و حدیث آن دیار، از جمله شهاب‌الدین عبدالله بن محمود شوشتری، معروف به شهید ثالث (د ۹۹۷/۱۵۸۹ م) و نیز شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی (د ۹۸۴/۱۵۷۶ م) پدر شیخ بهایی بهره جست و از آنان اجازه روایت گرفت (مجلسی، ۱۶۷/۱۰۶؛ خوانساری، ۲۳۳/۴). برخی از متأخران او را از شاگردان علی بن عبدالعالی کرکی، معروف به محقق ثانی (د ۹۴۰/۱۵۳۳ م) دانسته‌اند (آقابزرگ، الذریعة، ۱۴۴/۱۷؛ نیز نک: شورا، ۹۳/۴، ۲۴/۵)؛ لیکن اولاً بایزید خود در اجازه‌ای که از وی در دست است، در میان استادان خویش نامی از محقق نبرده، ثانیاً در منابع قدیم‌تر ذکری از این موضوع به میان نیامده است.

بایزید پس از فراگیری علوم و معارف دینی به تألیف آثاری در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی و نیز به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت. از جمله شاگردان وی، از سید حسین بن حیدر کرکی عاملی نام برده شده است (مثلاً نک: امین، ۲۹۹/۸) که از بایزید، اجازه‌ای برای روایت همه مرویات و تألیفاتش، دریافت کرده است. این اجازه در محرم ۱۰۰۴ نگاشته شده، و صورت کامل آن در بحارالانوار مجلسی (۱۶۷/۱۰۶-۱۶۸) موجود است (نیز نک: آقابزرگ، همان، ۱۳۹/۸).

تاریخ وفات بایزید نیز روشن نیست؛ همین قدر معلوم است که او تألیف رساله قضا و قدر را در ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۰۱۱ به پایان برده است

رسید. همه حق است، اگر آن کس نبود، حق همه خود را بیند، عجب نبود» (عطار، ۲۰۲).

مآخذ: آذریگدلی، لطفعلی، آنشکده، بی‌بی، ۱۲۷۷ ق؛ ابن یزید، توکل، صفوة الصفا، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، اردبیل، ۱۳۷۳ ش؛ ابن بطوطه، رحله، بیروت، ۱۹۶۴ م؛ ابن تفری بردی، التجوم؛ ابن جوزی، عبدالرحمان، تلخیص، بیروت، ۱۳۶۸ ق؛ همو، صفه الصفوة، به کوشش محمود فاخوری، بیروت، ۱۹۸۶ م؛ همو، المنتظم، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۷ ق؛ ابن خرقانی، احمد، دستور الجمهور فی مناقب سلطان العارفين ابی یزید طیفور، نسخه تصویری موجود در کتابخانه مرکز؛ ابن خلکان، وفیات؛ ابن عربی، محیی‌الدین، الفتوحات المکیة، به کوشش عثمان یحیی، قاهره، ۱۹۷۵ م؛ ابن کثیر، البدایة؛ ابوطالب مکی، محمد، قوت القلوب، بیروت، ۱۳۱۰ ق؛ ابونعیم اصفهانی، احمد، حلیة الاولیاء، بیروت، ۱۹۶۷ م؛ اسفراینی، عبدالرحمان، کاشف الاسرار، به کوشش هرمان لندلت، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مرآة البلدان، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ همو، مطلع الشمس، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ افلاکی، احمد، مناقب العارفين، به کوشش تحسین یازجی، آنکارا، ۱۹۶۱ م؛ باخیزی، یحیی، اراد الاحباب، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۵ ش؛ برتلیس، ی. ا.، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ بیرونی، ابوریحان، تحقیق مالکیند، حیدرآباد دکن، ۱۹۵۸ م؛ جامی، عبدالرحمان، نفحات الانس، به کوشش محمود عابدی، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ حاجی خلیفه، کشف؛ حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ قومس، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ همو، سلطان العارفين بایزید بسطامی، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ خلاصه شرح تعرف، به کوشش احمد علی رجایی، تهران، ۱۳۴۹ ش؛ خواجه عبدالله انصاری، طبقات الصوفیة، به کوشش محمد سرور مولایی، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ دانش پزوه، محمدتقی، نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و اروپا و آمریکا، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ دفتر ۹؛ ذبی، محمد، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاری، قاهره، ۱۳۸۲ ق/۱۹۶۳ م؛ رفاعی، احمد، حالة اهل الحقیقة مع الله، بیروت، ۱۴۰۸ ق؛ روزبهان بقلی، شرح شطحیات، به کوشش هانری کرین، تهران، ۱۳۶۰ ش؛ همو، مشرب الارواح، به کوشش نظیف محمد خواجه، استانبول، ۱۹۷۳ م؛ روزبهان ثانی، ابراهیم، «تحفة العرفان»، روزبهان نامه، به کوشش محمدتقی دانش پزوه، تهران، ۱۳۴۷ ش؛ زوین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیة، تهران، ۱۳۴۴ ش؛ همو، جست‌وجو در تصوف ایران، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ سیهسالار، فریدون، رساله در احوال مولانا جلال‌الدین مولوی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، ۱۳۲۵ ش؛ سجستانی، آقاشاه، «فوائد شیخ علاءالدوله سمنانی»، رسائل علاءالدوله سمنانی (هـ)؛ سراج طوسی، عبدالله، اللع فی التصوف، به کوشش نیکلسن، لیدن، ۱۹۱۴ م؛ سلمی، محمد، طبقات الصوفیة، به کوشش پدرسن، لیدن، ۱۹۶۰ م؛ سماعی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالرحمان بن یحیی معلمی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳ ق/۱۹۶۳ م؛ سنایی، حدیقه الحقیقة، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ همو، دیوان، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ سهروردی، عمر، عوارف المعارف، بیروت، ۱۹۸۳ م؛ سهروردی، یحیی، «المشارع و المطارحات»، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به کوشش هانری کرین، تهران، ۱۳۵۵ ش؛ ج ۱؛ سهلاجی، محمد، «النور من کلمات ابی طیفور»، شطحیات الصوفیة، به کوشش عبدالرحمان بدوی، کویت، ۱۹۷۸ م؛ شمس تبریزی، مقالات، به کوشش محمد علی موحد، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۷۶ ق؛ ضیاء نخعی، ملک السلوک، به کوشش غلامعلی آریا، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ عراقی، فخرالدین، لمعات، به کوشش محمد خواجوی، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ عزالدین کاشانی، محمود، مصباح الهدایة، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۲۳ ش؛ عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی، تهران، ۱۳۶۰ ش؛ علاءالدوله سمنانی، احمد، «رسالة فی مشایخه من المتقدمین»، رسائل، به کوشش و. م. نکستین، ماساچوست، ۱۹۸۸ م؛ عین‌القضات همدانی، تمهیدات، به کوشش عقیف عبیران، تهران، ۱۳۴۱ ش؛ غزالی، محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچ، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ همو، منهاج العابدین، ترجمه عمر بن عبدالجبار سعدی ساری، به کوشش احمد شریعتی، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ غوثی عطاری، محمد، گلزار ابرار، به کوشش محمد ذکی، پته، ۱۹۹۴ م؛ قرآن کریم؛ قشیری، عبدالکریم، الرسالة القشیریة، قاهره، ۱۹۴۰ م؛ کلابادی، محمد، التعریف لمذهب اهل التصوف، بیروت، ۱۹۸۰ م؛ محمد بن

(نک: مرکزی، خطی، ۳/۱۳۸). از این رو، می‌توان گفت که تاریخ وفات وی بعد از این زمان، و در نیمه اول سده ۱۱ ق است.

آثار:

۱. نجاتیه، اثری است به فارسی پیرامون «غیبت» که به زعم مؤلف، در آن عصر از گناهان شایع بوده است. کتاب مشتمل بر دو باب است: «باب اول در بیان غیبت و توابع آن» که ۲ مقدمه و ۶ فصل دارد و نگارنده در ضمن ۵ فصل نخستین به بیان موضوعات مربوط به غیبت مثل مذموم بودن آن در روایات دینی، اقسام و علاج آن، اموری که غیبت در آنها تجویز شده، و کفاره غیبت پرداخته، و فصل ششم را به بیان توابع غیبت، یعنی سخن چینی و دورویی و حسدورزی اختصاص داده است. شیوه مؤلف در این باب، شیوه عالمان حدیث و فقهاست که مباحث خود را بر مبنای احادیث مأثور پی می‌ریزند، و همان‌طور که خود در مقدمه کتاب آورده، به کتاب کشف‌الریبه عن احکام الغیبه شهیدثانی (د ۹۶۶ ق/ ۱۵۵۹ م) نظر داشته است (ص ۲ بی). بایزید در باب دوم این کتاب به «توبه و آنچه بر آن متعلق است»، پرداخته، و این بار، در بیان مراتب توبه و فروع آن، یکسر بر تألیفات «عارفان حقیقت و سالکان طریقت» تکیه کرده، و بر مذاق آنان سخن رانده است. او پاره‌ای از عبارات آنان را ذکر کرده، و تحت تأثیر نظرات متصوفه، توبه را نخستین مقام عارفان دانسته است (ص ۱۰۳ بی). این اثر به کوشش جلال‌الدین محدث در ۱۳۳۴ ش در تهران به چاپ رسیده است.

۲. الانصاف فی معرفه الاسلاف، اثری است در موضوع امامت و تعیین فرقه ناجیه. مؤلف شیعه امامیه را تنها فرقه ناجی از میان ۷۳ فرقه دانسته است. از آنجا که در «اجازه» از این تألیف نام برده شده، تاریخ تألیف آن می‌بایست قبل از ۱۰۰۴ ق بوده باشد (مجلسی، همانجا؛ نیز نک: آقابزرگ، همان، ۳۹۶/۲، ۱۴۴/۱۷؛ قس: مدرّس، ۲۲۴/۱). گفته‌اند که بایزید این کتاب خود را به فرمان شاه عباس اول به فارسی ترجمه کرد (امین، همانجا).

۳. اوقات الصلوة، رساله‌ای است فقهی درباره اوقات نمازهای پنجگانه که در ۵ فصل ترتیب یافته است. نسخه‌ای از آن در مجموعه مشکوّه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (شم ۹۴۴) موجود است (مرکزی، خطی، ۳/۱۷۸۴-۱۷۸۵).

۴. التحفة المرضیة للحضرة الرضویة، در فقه. بایزید این اثر را در رجب ۹۷۹ در طوس به انجام رسانده است (نک: همان، ۳/۱۸۲۵؛ نیز نک: نفیسی، ۳۹۵/۱).

۵. تفسیر آیه تبلیغ الولاية، به عربی، که مؤلف آن را در ۱۲ جمادی‌الآخر ۹۸۹ در تبریز به نام مولی حسین صاعد نگاشت. نسخه‌ای از آن در مجموعه‌ای به نام دستور به شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (مرکزی، خطی، ۸۰۴/۹-۸۰۵).

۶. جوابات المسائل الکلامیة، که به فارسی است (آقابزرگ، همان، ۲۳۱/۵، طبقات،، ۷۶/۵؛ نیز نک: خوانساری، ۱۶۲/۴؛ مدرّس، ۳۱۴/۷).

۷. روضة العارفين، در حقیقت تصوف و مقامات سالکان و آداب سلوک، که در ۹۹۴ ق نگاشته شده است. مؤلف در ضمن ۹ باب به موضوعاتی از قبیل ذات واجب، معارف و اصطلاحات صوفیه، مقامات عشره، اعمال ظاهری و اخلاق و احوال و آداب پرداخته است. از این اثر دو نسخه (شم ۱۳۴۴ و ۱۸۶۷) در کتابخانه سپهسالار، نسخه‌ای (شم ۶۵۶) در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی و نیز میکروفیلمی (شم ۲۲۳۸) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (فهرست، ...، ۷۲/۵-۷۳؛ شورا، ۴۱۷/۲؛ مرکزی، میکروفیلما، ۱۱۷/۱).

۸. قضا و قدر. مؤلف کتاب را به ۳ بخش تقسیم کرده است، بخش اول: مسأله اختیار و قدر در اعمال انسانها؛ بخش دوم: تأثیر اراده خداوند در اعمال انسانها؛ بخش سوم: درباره قضا و قدر (نک: شورا، ۲۴/۵). بایزید بسطامی این اثر را در ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۰۱۱ برای شخصی به نام امیر مظفر نوشته است (نک: افندی، ۳۰۱/۴؛ مرکزی، خطی، ۳/۱۳۸). از این رساله نسخه‌ای (شم ۲۹۳) در مجموعه مشکوّه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه‌ای دیگر (شم ۱۶۹۲) در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی موجود است (همان، نیز شورا، همانجا).

۹. معارج التحقيق، در فقه استدلالی. جلد اول آن شامل یک مقدمه در خلاصه‌ای از مباحث اصول فقه است و پس از آن کتاب طهارت و صلاّ می‌آید. از عبارت مؤلف در پایان این جلد دانسته می‌شود که جلد دوم کتاب، باید با مبحث زکات آغاز شده باشد (شورا، ۹۳/۴). تاریخ تألیف این اثر نیز چون در «اجازه» از آن یاد شده است، بایستی قبل از ۱۰۰۴ ق بوده باشد (نک: مجلسی، همانجا). نسخه‌ای از این کتاب (شم ۱۳۲۱) در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی موجود است (شورا، ۹۳/۴-۹۴).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة، همز، طبقات اعلام الشيعة، به کوشش علینقی منزوی، تهران، ۱۳۶۹ ش؛ افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش محمود مرعشی و احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م؛ امین، محسن، اعیان الشيعة، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ بایزید بسطامی ثانی، علی، نجاتیه، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۲ ش؛ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ ق/ ۱۹۷۱ م؛ شورا، خطی؛ فهرست کتابخانه سپهسالار، به کوشش محدثی دانش‌پژوه و علینقی منزوی، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ مدرّس، محمدعلی، ریحانة الادب، تبریز، ۱۳۴۶ ش؛ مرکزی، خطی؛ همان، میکروفیلما، نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۲۴ ش.

بایزیدیات، مورخ و دولتمرد ایرانی دربار همایون شاه بابر در سده ۱۰ ق/ ۱۶ م. از احوال او پیش از پیوستن به همایون اطلاع اندکی در دست است (مثلاً نک: بایزید، ۲۴۴). وی نخستین بار همایون را که به شاه طهماسب صفوی پناهنده شده بود، در زنجان ملاقات کرد. این دیدار در ۹۵۱ ق/ ۱۵۴۴ م در مشهد که بایزید در آنجا به تحصیل علم پرداخته بود، تکرار شد (ابوالفضل، ۲۱۶/۱؛ بایزید، ۳۶-۳۸). به نظر می‌رسد که از